

دولت مردمی، ایران قوی

فاطمه رزاقی

مردم در انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ گزینه‌ای را انتخاب کردند که پیشتر از آزمون فسادستیزی در جایگاه ریاست قوه قضائیه سربلند بیرون آمده بود. آن پیشینه این اعتماد را ایجاد می‌کرد که دست‌کم در کابینه دولت سیزدهم از وزرایی که به هر ترتیب نام خود یا فرزندان‌شان در پرونده‌های فساد اقتصادی مطرح شود، خبری نیست. خاصه که منتخب مردم صراحتاً «مردمی بودن»، «ضد فساد بودن» و «داشتن روحیه انقلابی» را به‌عنوان سه شرط اصلی انتخاب همکارانش در دولت اعلام کرده بود.

پس از آن حضور بی‌واسطه رئیس‌جمهور و معاونان و وزرای دولت در میان مردم شهرها و روستاهای دور و نزدیک که تنها به شنیدن گلایه‌ها محدود نمی‌شد بلکه به پیگیری مسأله تا گره‌گشایی از مشکلات می‌انجامید استاندارد متفاوتی از دولت‌داری را به نمایش گذاشت. مردم حالا با رئیس‌جمهوری آشنا می‌شدند که به وقت بروز کمترین اختلال از حضور در یک پمپ بنزین در مرکز شهر و انجام بازدیدهای سرزده ابایی نداشت و در این حضور میدانی و تعامل نزدیک با بدنه جامعه به دنبال تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی بود. ناگفته پیداست که ترمیم شکاف دولت-ملت و احیای نسبی سرمایه اجتماعی در فرصت چند ماهه نخست عمر دولت سیزدهم بود که در

«آمده‌ام تا با کمک همه مردم ایران و در طلیعه گام دوم انقلاب، دولتی مردمی برای ایرانی قوی تشکیل دهم.» این هدف‌گذاری آرمانی بود که در نخستین بیانیه آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی برای اعلام حضور در انتخابات ریاست جمهوری مطرح شد و در ادامه با شکل‌گیری کابینه و عینیت یافتن گفتمان حاکم بر عملکرد آن، «دولت مردمی، ایران قوی» به تعبیری برای توصیف گفتمان دولت سیزدهم تبدیل شد. در مقام تحلیل، چرایی انتخاب این شعار به‌عنوان سرلوحه عمل دولت سیزدهم از میان جملات آن بیانیه پیدا بود. آنجا که از آرمان‌های انقلاب یعنی «عدالتخواهی، استقلال‌طلبی و آزادی‌جویی» سخن به میان آورد و به تقلیل این آرمان‌ها بر اثر مواردی همچون «سوءتدبیرها، ناکارآمدی‌ها و تضییع فرصت‌های خدمتگزاری» اشاره کرد و بر اهدافی همچون «تشکیل دولتی با حضور جوانان تحول‌خواه و ضد فساد»، «اولویت دادن به مسائل محرومان و مستضعفان»، «اتخاذ دیپلماسی برآمده از قدرت داخلی و متمرکز بر تعامل و رابطه دوستانه و مقتدرانه با دنیا» و «پاسداری از آزادی بیان و قلم و حقوق اساسی همه شهروندان ایرانی» تمرکز داشت.

شکل‌گرفتند که در میان اقشار مختلفی از مردم بر اثر هویدا شدن وجود فساد گسترده در سطوح مختلف دستگاه‌های اجرایی، ناکارآمدی دولت در حل مسائل مبتلابه جامعه و بدتر از همه انتقال حس بی‌تفاوتی و بی‌برنامگی دولتمردان برای پاسخگویی به مشکلات شکل گرفت. برج عاج نشینی مقامات عالی دولت وقت هم که از شدت تبختر حتی برای پاسخگویی به درخواست ملاقات و رایزنی وزرا و معاونان خود ترتیب اثر نمی‌دادند تا چه رسد بخواهند در میان مردم کوچه و خیابان حضور پیدا کنند و چهره به چهره به درد دل‌شان گوش کنند خاصیتی بود که بر عمق شکاف رخ داده میان دولت و مردم می‌افزود.

فارغ از آنکه برای کشوری با جغرافیای سیاسی ایران سرمایه‌ای ارزشمندتر از همراهی و همدلی مردم با حاکمیت وجود ندارد، آنچه پیش آمده بود با توجه به واقعیت طمع مستمر معاندان می‌توانست کشور را در دامگه حوادث غیرقابل جبرانی قرار دهد. به این ترتیب بازگرداندن اعتماد مردم و سرمایه اجتماعی تحلیل رفته می‌بایست در زمره مهم‌ترین اهداف هر رئیس‌جمهوری قرار می‌گرفت که دل در گرو حفاظت از کیان کشور داشت.

آن هم در چنان شرایطی که حضور مردم در انتخابات، «نه» گفتنشان به کاندیدای برآمده از جمع بانیان وضع موجود و انتخاب سید ابراهیم رئیسی که با وعده تشکیل دولت مردمی به میدان آمده بود از سوی اکثریت رأی‌دهندگان در حقیقت به معنای آن بود که مردم بخوبی ضرورت حفظ یکپارچگی این پیکره را درک کردند و قدم اول را خود برداشتند. ابراز اعتمادی که رفتار دولت سیزدهم نشان داد نه بی‌حاصل بوده است، نه بی‌دلیل.

اما در سطحی دیگر اهمیت انتخاب گفتمان «دولت مردمی، ایران قوی» براساس میراثی که از «بانیان وضع موجود» بر جای ماند، قابل تبیین بود. چه اینکه سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در وضعیتی برگزار شد که افول سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی به ترجیع‌بند کلام طیف قابل توجهی از جامعه‌شناسان سیاسی تبدیل شده بود و فعالان سیاسی که اتفاقاً خود در زمره تأییدکنندگان و حامیان دولت وقت بودند با تکرار بیشتری از این تعابیر برای تشریح وضعیت خسارت‌باری استفاده می‌کردند که عملکرد دولت‌ها طی بیش از دو دهه بر تارک نظام برآمده از انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های جهان برجای گذاشته بود و در عرصه بین‌المللی نیز از ایران با همه استعدادها و ظرفیت‌هایش کشوری ساخته بود که گویی برای مقابله با تحریم‌های ظالمانه چاره‌ای ندارد جز آویختن از ریسمان فرسوده برجام و امید بستن به بازگشت طرف‌های غربی به تعهد. بر این اساس «دولت مردمی، ایران قوی» علاوه بر نسبت مستقیمی که با توصیه‌های رهبر معظم انقلاب برای تعیین «ایران مقتدر» و اثبات اصل «ما می‌توانیم» در بیانیه دوم انقلاب داشت، کنشی بود برای تغییر آن وضعیت نامطلوب.

دولت مردمی؛ احیای سرمایه اجتماعی

کاهش سرمایه اجتماعی بویژه در دولت دوم حسن روحانی واقعیتی بود که جای انکار نداشت و در بحرانی‌ترین شکل خود را در وقایع دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ بروز داد. آن اعتراضات اگر چه خیلی زود محمل موج سواری معاندان و ایادی داخلی‌شان شدند اما بر بستر نارضایتی

ویژه‌نامه
سالگرد سیزدهمین دوره
انتخابات ریاست جمهوری
خرداد ۱۴۰۱

۱۰

ایران

